

تبیین شرایط اقتصاد سیاسی کشور

علی باریکانی^۱

چکیده

نگاه و بررسی اقتصاد سیاسی ملاحظات اقتصادی و سیاسی را در کنار یکدیگر مد نظر قرار می‌دهد. شرایط و عوامل بسیاری منجر به شکل‌گیری وضعیت فعلی اقتصادی و سیاسی شده‌اند. سیر تاریخی این عوامل از جمله انقلاب اسلامی، ریشه‌های شکل‌گیری وضعیت اقتصاد سیاسی در سرمایه‌داری دولتی، توزیع منابع و فرصت‌ها، اقتصاد بخش خصوصی، شرایط سیاسی انتخابات و... را مشخص می‌کند. شکل‌گیری سرمایه‌داری دولتی، عدم خصوصی‌سازی مطلوب و... در بلندمدت به بحران‌های ناکارآمدی و توزیع منابع و ثروت می‌انجامد. این موضوع با ایجاد بحران‌های اجتماعی امنیت اقتصادی را به خطر می‌اندازد. ازین‌رو راهکارهای گسترش خصوصی‌سازی واقعی، عدم واگذاری شرکت‌ها به شبهدولتی‌ها و بازنفسیر نظام انباشت سرمایه پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: اقتصاد سیاسی، سرمایه‌داری، انتخابات، خصوصی‌سازی، توزیع منابع.

مقدمه

در دهه ۱۹۷۰ آشکار شد که جدایی حوزه‌های

اقتصاد و سیاست از یکدیگر اشتباه است. در آن دهه نظام پولی برتون-وودز فرو پاشید. دو تکانه بزرگ در قیمت نفت روی داد و وضعیت رکود-تورمی حاکم شد. این رویدادها ثابت کردند که امور سیاسی و اقتصادی در یکدیگر تبیه‌اند. اقتصاد به شدت سیاسی شد و بخش بزرگی از سیاست نیز به اقتصاد می‌پرداخت. در ۵۰ سال گذشته، اقتصاد سیاسی در هر دو علم سیاست و اقتصاد بر جسته شد.

اقتصاد سیاسی در هر جامعه‌ای تاریخچه خاص خود را دارد که درنهایت، منجر به شکل‌گیری وضعیت خاصی در بسیاری از حوزه‌ها می‌شود.

آدام اسمیت^۲، دیوید ریکاردو^۳ و جان استوارت میل^۴ به عنوان پدیدآورندگان اولیه اقتصاد نوین شناخته می‌شوند. این نظریه پردازان مفاهیم اقتصادی و سیاسی را از یکدیگر جدا ندانسته‌اند و خود را اقتصاددان سیاسی نامیدند. به تدریج دو رویه باعث شد تحلیل‌های سیاسی و اقتصادی از یکدیگر جدا شوند. اول، دولتها کنترل مستقیم خود بر اقتصاد را کاهش دادند. دوم، اشکال مختلفی از سیاست پدیدار و صورت‌های بسیار متنوعی از دولت ظاهر شدند. به این ترتیب، در اوایل قرن ۲۰، علوم اقتصاد و سیاست به عنوان رشته‌هایی جداگانه شکل گرفتند.

ali_barikani_ali@yahoo.com

دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۱. دانش آموخته دکترای اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. کتاب اصلی: بررسی درباره ماهیت و عمل ثروت ملل (۱۷۷۶).

۳. کتاب اصلی: اصول اقتصاد سیاسی و مالیات (۱۸۱۷).

۴. کتاب اصل: اصول اقتصاد سیاسی (۱۸۴۸).

«علت و معلولی» در نظر گرفته می‌شود. در واقع، شرایط اقتصاد سیاسی است که رخدادها را شکل می‌دهد. با در نظر گرفتن این نکته، در ادامه مطالب، اهم شرایط حاکم بر شرایط اقتصاد سیاسی کشور تشریح می‌شود.

۱-۱- سرمایه‌داری دولتی در ایران

در برخی از متون تخصصی از استعاره «بتواره سرمایه‌داری دولتی» برای تشریح حضور دولت در اقتصاد استفاده می‌شود تا وابستگی حاد نخبگان قدرت به این نوع سرمایه‌داری در جامعه ایران روشن تر شود. مسئله محوری چنین نگاهی، بر چرایی حفظ و ادامه هسته سرمایه‌داری دولتی توسط نخبگان دولتی فعلى در ایران بررسی شود.

سرمایه‌داری دولتی در ایران که حضور پررنگ کنونی دولت در فعالیت‌های اقتصادی نیز جزئی از آن شمرده می‌شود، زاییده دو نکته مهم از سال‌های پیش از انقلاب اسلامی است. نخستین نکته، «دعاوی پیشانقلابی رهبران انقلابی» و دومین نکته، «نیازها و وضع خاص انسان پیشانقلابی و ذات مبالغه‌ای جامعه پیشانقلابی» است. وجود این دو نکته بود که تأسیس سرمایه‌داری دولتی را در دوره پس از استقرار جمهوری اسلامی ایجاد و اجتناب ناپذیر کرد (ستاری، ۱۳۹۹).

از آنجاکه ریشه اصلی شکل گیری انقلاب اسلامی از باورهای دینی سرچشمه می‌گرفت، درون‌مايه

بنابراین، برای تبیین اقتصاد سیاسی کشور باید به ریشه‌های شکل گیری آن پرداخت. در این گزارش، ضمن بیان ریشه وضعیت فعلی اقتصادی و سیاسی حاکم، برخی حوزه‌های نشت‌گرفته از این شرایط از جمله سرمایه‌داری دولتی، عدم خصوصی‌سازی مطلوب، سیاست و انتخابات و تحریم‌های اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرند. در نهایت، ملاحظات امنیت اقتصادی وجود چنین شرایطی بیان و راهکارهایی برای بهبود شرایط موجود ارائه می‌شود.

۱- عوامل اثرگذار و شکل‌دهنده اقتصاد سیاسی کشور

واژه «اقتصاد سیاسی» به مدیریت امور اقتصادی دولت مرتبط است و به دولتمردان در اداره بهتر امور اقتصادی دولت کمک می‌کند (کاپوراسو، ۱۳۹۹). اصطلاح اقتصاد سیاسی برای توصیف هر سیاست دولتی که تأثیر اقتصادی دارد نیز استفاده می‌شود. این رهیافت بر وجود ارتباط میان مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی در شکل دادن پدیده‌های اجتماعی مبنی است (میرزایی، ۱۳۹۵). در اقتصاد سیاسی قوانین مربوط به تولید و توزیع درآمد و ثروت و آثار آن در واکنش‌های جامعه مورد بررسی قرار می‌گیرد. اغلب مباحثی که امروزه در علم اقتصاد مورد بحث قرار می‌گیرد، در گذشته به طور پراکنده در قلمرو اقتصاد سیاسی مطرح شده است (همان). گفتنی است، شرایط حاکم بر اقتصاد سیاسی و رخدادهای سیاسی دو مقوله جدا از هم است و رابطه آن‌ها به صورت



جامعه ظهور و بروز بیشتری یافت؛ زیرا ایالات متحده آمریکا نماد سرمایه‌داری بود و طبیعتاً اختلافات دو کشور شامل مباحث ایدئولوژیک نیز می‌شد. درنتیجه و به تدریج موقعیت این نوع سرمایه‌داری (سرمایه‌داری دولتی) پس از تأسیس نظام اسلامی تثبیت شد. در چنین شرایطی، سرمایه‌داری دولتی در ایران را می‌توان در ذات خود نوعی «سرمایه‌داری ضد سرمایه‌داری» نامید؛ زیرا این مدل سرمایه‌داری ابزار اصلی نخبگان قدرت برای مقاومت در برابر انواع دیگر سرمایه‌داری (بهویژه بورژوازی^۲ ملی مستقل) به شمار می‌آمد (ستاری، ۱۳۹۹).

سرمایه‌داری دولتی شکل‌گرفته در ایران بر جنبه‌های مختلفی از مناسبات اقتصادی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد. در درجه اول، سرمایه‌داری دولتی توزیع منابع و فرصت‌ها را مؤثر می‌کند. زمانی که مدیریت سرمایه و سکان اقتصاد در دست دولت باشد، توزیع منابع و فرصت‌ها از شکل آزاد و نظم خودجوش^۳ خارج می‌شود^۴ و تحت تأثیر

مباحثی مانند قانون مالی اسلام، مصارف بودجه دولت اسلامی، موقعیت طبقه رنجیر در حکومت اسلامی، عدم وضع مالیات بر طبقه کارگر و کشاورز، لزوم مصرف مالیات و خمس به نفع طبقات پایین و کمک صندوق مالیه حکومت اسلامی به افراد دچار کسری معاش بهقدر اعشه و مانند آن سبب تقدم سرمایه‌داری دولتی بر اشکال دیگر آن در ذهن نخبگان انقلاب و جامعه شد. از طرف دیگر، فشارهای اقتصادی، نابرابری‌ها، فقدان توسعه متوازن، پدیده فقر مطلق و نسبی، تنگناهای اقتصادی زمان حکومت پهلوی و همچنین، باورهای دینی آحاد جامعه، نیازها و وضع خاص انسان پیشانقلابی را به سمت پذیرش چنین الگویی سوق داد.

بعد از وقوع انقلاب پربرکت اسلامی نیز به دلیل حمایت‌های دولت ایالات متحده از رژیم شاهنشاهی، پذیرش محمدرضا پهلوی در ایالات متحده، اقدامات ضد ایرانی دولت آمریکا، تسخیر لانه جاسوسی و... اخلاق انقلابی همراه با روح ضد سرمایه‌داری در

۱. می‌توان نخستین گام در راه انقلاب اسلامی را در سال ۱۳۲۳ مشاهده کرد. در این سال، امام خمینی(ره) کتاب کشف‌السرار را به عنوان رویکردنی مدون و منسجم از الگوی دولت و حکومت اسلامی منتشر فرمودند که با استقبال فراوانی نیز روبرو شد. در کتاب یادشده ایشان بیان کردند که امام دوازدهم(ع) در زمان غیبت، مستولیت حفظ امت را به مجتهدان و آگذار فرموده‌اند. در سال ۱۳۴۹ و چاپ کتاب ولایت فقیه در لبنان، این نظریات تکوین بیشتری یافت. برای درک بهتر مباحث اقتصادی اسلامی کتاب کشف‌السرار و ماهیت آن‌ها رک به: امام خمینی(ره)، ۱۳۲۳، صص ۲۷۲-۲۵۸.

2. Bourgeoisie

3. Laissez faire

۴. در اینجا شکل آزاد و نظام خودجوش به معنای اولیه آن اشاره دارد و منظور، قرائت آمریکایی آن نیست. نظام خودجوش (لسه فر) در معنای اصلی خود یعنی استقلال در مالکیت خصوصی و ابزار تولید و حمایت از حقوق افراد در مقابل تعرض‌های حکومتی و رسمی، حمایت از سرمایه افراد مستقل در مقابل افراد دیگر، دولت‌های بیگانه و مهم‌تر از همه در مقابل دولت است. این نوع نظام در واقع سیاست‌یمنی بخش و کمک‌کننده است، اما با بررسی حقایق درباره نظام خودجوش در اقتصاد به ظاهر آزاد ایالات متحده معلوم شده است، شرکت‌های بسیاری که به‌نوعی به دولت ایالات متحده واپسیت هستند، ولی در سند بودجه به آن‌ها اشاره‌ای نشده است (در واقع، دولتی هستند، ولی برای استفاده‌های سوء خصوصی قلمداد شده‌اند)، تحت پوشش سیستم سرمایه‌داری آزاد، بدون رضایت شهروندان شروع به مصادره اموال عمومی و دور زدن ممنوعیت‌های تعیین شده برای دولت با عنوان شرکت‌های خصوصی کرده‌اند. در واقع، این نوع شرکت‌ها در تمام زمینه‌های اقتصادی (چه در



مطابق ارزش‌های تبیین شده در رتوریک انقلابی^۱ رهبران انقلاب، اقتصاد نظام اسلامی، هم توسعه محور و هم عدالت محور پایه‌ریزی شده بود^۲، توجیه خلق شبه دولتی‌ها با آرمان‌های انقلاب اسلامی همخوانی داشت.

با این تفسیر، ایجاد نهادها و بنگاه‌های شبه دولتی در ذات خود منطبق با آرمان‌های انقلاب و ارزشی تلقی می‌شد. در کنار ارزش هنجاری شبه دولتی‌ها، منفعت اقتصادی فعالیتشان نیز سبب قدرت هرچه بیشتر آن‌ها شد. بنابراین، با گذر زمان جامعه شبه دولتی‌ها به مثابه جامعه‌ای خاص، مجزا و مستقل از جامعه عمومی ظاهر شد و بدین‌سان، نیروهای اقتصاد سیاسی شبه دولتی تحت تأثیر دو عنصر «ارزش و منفعت هم‌زمان» به تدریج خصلت ابرطباقی مستقل، بیگانه و حتی در تضاد با جامعه یافتد^۳، اما چنین الگویی از انباست سرمایه، عاری از ضعف و ناکارآمدی نبود.

سیاست‌های دولت قرار می‌گیرد. فعالیت اقتصادی بخش خصوصی نیز تحت همین موضوع متأثر می‌شود. درنهایت، قدرت دولت در اقتصاد و جریان سرمایه در جامعه مبتنی بر انتخاب ایران، در جریان انتخابات متبلور می‌شود. در ادامه، مطالب هر مورد به صورت مجزا تحلیل می‌شود.

۱-۲- توزیع منابع و فرصت‌ها

با فعالیت یافتن سرمایه‌داری دولتی در ایران همزمان با وقوع انقلاب اسلامی و الزام مصادر سرمایه‌های تجمعی شده در اقتصاد کشور (به‌واسطه دست‌درازی به بیت‌المال) که شامل اموال و دارایی‌های وابستگان رژیم پهلوی می‌شد، بخش شبه دولتی در اقتصاد ایران ظهرور کرد. یکی از دلایل تولد شبه دولتی‌ها، بزرگی بیش از حد بخش دولتی و گستردگی مصائب ناشی از حکمرانی اقتصادی‌اجتماعی رژیم پهلوی بود که باعث می‌شد دولت به‌تهابی توان حل و فصل مشکلات و برقراری عدالت را نداشته باشد. از آنجاکه

خود ایالات متحده و چه در جهان) دست بردهاند و بسیاری از جنبه‌های آزادی اقتصادی شهر وندان را نقض و این‌گونه معنای نظم خودجوش را بی‌هویت کرده‌اند (Reisman، دنیای اقتصاد، ۱۳۸۷).

۱. منظور از «رتوریک انقلابی» استفاده وسیع رهبران مختلف انقلابی از خطابه برای اقناع توده‌های جامعه برای تغییر پارادایم قدرت پهلوی است (Worthington, 2008 ; Richards, 1965)

۲. مقام معظم رهبری در سال‌های بعد فرمودند: «ما در زمینه همه فعالیت‌های گوناگون اقتصادی و تولیدی کشور و حواشی آن، باید توجه کنیم که ما، هم توسعه محوریم هم عدالت محوریم. ما طبق برخی از سیاست‌هایی که امروز در دنیا رایج است و طرف‌داران زیادی هم دارد، نیستیم که صرفاً به رشد تولیدات و رشد ثروت در کشور فکر کنیم و به عدالت در کنار آن فکر نکنیم؛ نه، این منطق ما نیست. نوآوری نظام ما همین است که می‌خواهیم عدالت را با توسعه و با رشد اقتصادی در کنار هم و با هم داشته باشیم و این‌ها با هم متنافی نیستند. ما دیدگاهی که تصور کند این‌ها با هم نمی‌سازند و یا باید این را انتخاب کرد یا آن را قبول نداریم» (بيانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۳/۶/۴).

۳. اصل ۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به بیان ساختار اقتصاد کشور از دید حقوقی می‌پردازد. در این اصل تأکید شده که بیان اقتصاد ایران دولتی است و فعالیت بخش خصوصی به عنوان مکمل و پایین‌دست پذیرفته می‌شود. رهبر معظم انقلاب به دلیل بروز چنین مشکلاتی، در خرداد سال ۱۳۸۴ مطابق بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، با ابلاغیه‌ای در این اصل تجدیدنظر فرمودند و فعالیت بخش خصوصی را در بخش‌های بالادستی و بنیانی اقتصاد مجاز شمرند. ایشان سال ۱۳۸۵ بند ۱۱۰ اصل ۴ قانون اساسی، به اکذاری بخش‌های کلان اقتصاد ایران به بخش خصوصی بود نیز به دولت ابلاغ کردند (ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴ قانون اساسی، ۱۳۸۴/۳/۱).

مقام معظم رهبری و ایرادات سرمایه‌داری دولتی، به صورت ناخودآگاه یا خودخواسته در طول ادوار مختلف از سرمایه‌داری دولتی حمایت کردند و عملکرد نظام توزیع منابع و فرصت‌ها را به خطر انداختند.

۱-۳- اقتصاد بخش خصوصی

در ابتدای پیروزی انقلاب و تصویب فعالیت انحصاری دولت در صنایع بنیادین در قانون اساسی، سرمایه‌داری دولتی که عرفًا مورد قبول واقع شده بود، به صورت قانونی نیز ثبت شد. همه این عوامل شرایط اقتصاد سیاسی را به سمت دولت فربه پیش برده، اما پس از پایان جنگ تحملی و تغییر شرایط کشور، دو نظر متضاد به صورت موازی دنبال شد. اول، میل به بازسازی و نوسازی جامعه پساجنگ و دوم، تمایل به حفظ و بازتولید نظام پارادایمی شکل گرفته در جامعه. نظر اول به هسته سرمایه‌ای فراتر از سرمایه‌داری دولتی نیاز داشت و در مقابل، نظر دوم مستلزم عدم تحول در هسته سرمایه‌داری دولتی بود. به دلیل عدم غلبه این نظریات بر یکدیگر به عنوان راه حلی میانه، نوسازی اقتصاد پساجنگ در قالب سیاست تعديل ساختاری برنامه اول توسعه، خصوصی‌سازی و فعالیت بخش خصوصی آغاز شد (ستاری، ۱۳۹۹).

به مرور مشخص شد که راه حل مطرح شده برای سنتز دو نظریه مذکور نمی‌تواند به درستی عمل کند؛ چنانکه هنوز هم بخش‌های خصوصی و دولتی با یکدیگر تضاد منافع دارند و به تعامل کارآمد نرسیده‌اند. تمایل به حفظ اقتدار دولت مرکزی و

برای مشخص کردن معضلات سرمایه‌داری دولتی در توزیع منابع و فرصت‌ها به اهداف مورد نظر مقام معظم رهبری به ابتدای نامه ابلاغیه سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی اشاره می‌شود. این اهداف عبارت‌اند از: ۱) شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی، ۲) گسترش مالکیت در سطح عموم مردم برای تأمین عدالت اجتماعی، ۳) ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی و بهره‌وری منابع مادی، انسانی و فناوری، ۴) افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی، ۵) افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی، ۶) کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی، ۷) افزایش سطح عمومی اشتغال و ۸) تشویق اقشار مردم به پسانداز و سرمایه‌گذاری و بهبود درآمد خانوارها (نامه ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، ۱۳۸۴/۳/۱). طبق این فرمایشات، موارد ۲، ۳، ۵، ۷ و ۸ به صورت مستقیم و دیگر موارد نیز به صورت غیرمستقیم بهبود توزیع منابع و فرصت‌ها را هدف قرار داده‌اند.

حال باید دید که چه شرایطی در اقتصاد سیاسی سبب ادامه مدل سرمایه‌داری دولتی در کشور شد؟ در پاسخ باید گفت از آنجاکه این شکل از سرمایه‌داری دولتی برای نخبگان قدرت، امکانی را فراهم می‌کند تا از طریق کنترل دو فرایند اصلی «جريان اباحت سرمایه» و «سازمان عمومی کار» به شکل مؤثری ساختار درآمد و مصرف افراد جامعه را به دست گیرند (Sattari, 2021) و بر محثوا و فرم زندگی سیاسی فرد در جامعه تأثیر بگذارند، بنابراین و با توجه به چنین فرصتی، نخبگان قدرت به رغم منویات



قدرت در سرمایه‌داری دولتی از طریق کنترل جریان انباشت سرمایه و سازمان عمومی کار بر زندگی سیاسی افراد تأثیر می‌گذارند. این امکان در جامعه مبتنی بر چرخش قدرت با سازوکار انتخاباتی و مردمی کردن^۳، جذاب‌ترین گزینه برای سیاست‌مداران است. در جوامعی که کسب آرای مردمی راه رسیدن به قدرت است، ابزارهای اقتصادی دولتها و گروهها نظر عده زیادی را به خود جلب می‌کند.

یکی از شایبه‌های مطرح شده هنگام انتخابات در بسیاری از کشورها، تشکیک در منابع مالی احزاب و اشخاص برای هزینه‌های تبلیغاتی آن‌هاست. فارغ از تأیید یا تکذیب چنین اخباری، بحث اصلی بستر مناسب شکل‌گیری آن است. دولت مستقر در کشوری با سرمایه‌داری دولتی و اقمار آن که شامل شبده‌دولتی‌ها می‌شود، به دلیل تمکن مالی، در ایام نزدیک به انتخابات معمولاً سیاست‌های انبساطی در پیش می‌گیرد و افزون‌بر بسته‌های غیرنقدي، بسط پول را نیز افزایش می‌دهد. حال هرچه حجم و اندازه سرمایه‌داری دولت در اقتصاد بیشتر باشد، امکان و اثر جلب نظر غیرحقیقی مردمی نیز بیشتر می‌شود. به این صورت، یک شاخه نظام حاکم ممکن است قدرت و امکانات زیادی را در اختیار بگیرد و به آن نظام مردم‌سالاری لطمه بزند (آربلاستر، ۱۳۸۵).

1. Political subsystem

3. Hegemony 4. trading out effect

۵. در اینجا منظور از مردمی کردن روشنی است برای خشونت‌زدایی از راههای انتقال قدرت؛ برخلاف نظر افلاطون که آن را بدترین شکل حکومت می‌دانست.

زیرسیستم سیاسی^۱ که توسط نخبگان قدرت وجود دارد^۲، سرمایه‌داری دولتی را لازمه حفظ هژمونی^۳ دولت می‌داند و به این ترتیب، فعالیت بخش خصوصی را به‌واسطه اثر جایگزینی^۴ تحت تأثیر قرار می‌دهد. راهبرد اتخاذ‌شده از سوی بیشتر کشورهای جهان در دهه‌های اخیر برای تقویت بخش خصوصی مواردی مانند کاهش تصدیگری دولت، ممانعت از مداخله در معادلات بازار و تسهیل در ایجاد شرایط رقابتی در فضای کسب‌وکار را شامل می‌شود. این حرکت در ایران نیز در برنامه‌های توسعه با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است. مزیت شرایط اقتصاد سیاسی در پیشبرد اهداف نخبگان قدرت و دو عنصر «ارزش و منفعت هم‌زمان» انگیزه چنین اقداماتی را به حداقل رسانده است؛ به رغم اینکه کارشناسان بر کاهش اثر سیاست‌های دولت در ارتباط با بروونرانی فعالیت و حضور بخش خصوصی در اقتصاد در صورت رعایت چنین مواردی اتفاق نظر دارند. به این ترتیب، اقتصاد سیاسی هسته سرمایه‌داری دولتی در ایران تاکنون نتوانسته است در تعاملی سازنده با بخش خصوصی قرار گیرد.

۱-۴- سپهر سیاسی و انتخابات

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، تمرکز قدرت سیاسی و اقتصادی یکی از اقدامات تقریباً مشترک نخبگان قدرت در ادوار مختلف بوده است. همچنین، نخبگان

۲. برای بررسی جزئیات بیشتر رک به: توماس هابن، لویاتان، ترجمه حسین بشیریه، ۱۶۵۱.



به طور کامل محقق نمی‌شود، بلکه بحران‌های اجتماعی شکل خواهد گرفت. بحران‌های انباشت سرمایه و ناکارآمدی از جمله آثار تفکیک‌ناپذیر استمرار چنین رویکردی است؛ همان‌طور که مقام معظم رهبری یکی از ضروریات اجرای سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی را افزایش کارآمدی و توزیع درآمد بین آحاد جامعه قلمداد می‌فرمایند.

جمع‌بندی و ارائه راهکارها

در تبیین شرایط اقتصاد سیاسی کشور مشخص شد که حفظ هژمونی دولت و عدالت‌محوری در اقتصاد، به مدل انباشت سرمایه دولتی منجر شده است. مدل سرمایه‌داری دولتی نیز به ایجاد شبه‌دولتی‌ها دامن می‌زند. در این‌بین، اصرار خبرگان قدرت در ادامه شرایط موجود به دلیل همگامی ارزش و منفعت، موجب اخلال در نظام توزیع منابع و فرصت‌ها، کنارزده شدن بخش خصوصی از اقتصاد، استفاده از منابع دولتی در مجاری انتخابات و آسیب‌پذیری اقتصاد در شرایط تحریمی می‌شود. راهکارهای زیر برای عبور از چنین وضعیتی پیشنهاد می‌شود.

- گسترش خصوصی‌سازی واقعی: نخستین راهکار، عمل به سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی به صورت دقیق است؛ زیرا طبق فرموده مقام معظم رهبری «اشکالاتی در کار خصوصی‌سازی هست، متها اصل خصوصی‌سازی نیاز مبرم اقتصاد کشور ماست. این جزو همان مواردی است که ساختار را — که اول وجود نداشت — تکمیل می‌کند».^۱

فشار خارجی است. در واقع، انسجام و همدلی بین مردم و مسئولان در قوای سه‌گانه شاخصه عبور از بحران ناشی از تحریم‌هاست.

۲- ملاحظات امنیت اقتصادی

شرایط فعلی اقتصادی و سیاسی کشور از سال ۱۳۲۳ با نگارش کتاب کشف الاسرار بنیان‌گذار انقلاب اسلامی شکل گرفت و نحوه ورود دولت به مسائل اقتصادی مشخص شد. روند رویکرد رهبران انقلاب و حوادث اجتماعی و اقتصادی سبب شکل‌گیری سرمایه‌داری دولتی به عنوان مهم‌ترین اثر در حوزه اقتصاد سیاسی در قرن اخیر بود. این روند در جریان انباشت سرمایه میل اشیاع‌ناپذیری به سرمایه‌داری دولتی و شبه‌دولتی می‌دهد که به فربه‌تر شدن مدافوم دولت و گستالت آن از جامعه عمومی می‌انجامد. در اصل فلسفه وجوب ورود دولت به مسائل اقتصادی شکی نیست، اما با توجه به ناکارآمدی‌های مورد اشاره در متن، ادامه چنین روندی به تدریج نظام «کار، درآمد و مصرف» طبقات پایین و نیز متوسط جامعه را در معرض تنزل قرار می‌دهد.

در صورت تداوم اصرار خبرگان قدرت بر حفظ پارادایم فعلی اقتصاد سیاسی در طبیعی شدن سرمایه‌داری دولتی و شبه‌دولتی در اقتصاد سیاسی ایران و بازتولید دائمی آن با توجیه عدالت‌محوری در اقتصاد اسلامی، شکاف اقتصادی بزرگی میان عموم افراد جامعه و مجموعه‌های شبه‌دولتی به وجود خواهد آمد. به این ترتیب، نه تنها هدف اصلی عدالت

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۸/۳/۱.

اصلاح الگوی سرمایه‌ای دولت باید اندیشمندان و نظریه‌پردازان بازتفسیری در ریشه‌های فکری و نظری سرمایه‌داری دولتی صورت دهند.

منابع

- آربلاستر، آنتونی (۱۳۸۵). دمکراسی. ترجمه حسن مرتضوی، تهران: نشر آشیان، چاپ دوم.
- روزنامه ایران (۱۳۹۲/۲/۲۳). شماره: ۵۳۶۴، شماره خبر: ۵۳۶۴.
- روزنامه دنیای اقتصاد (۱۳۸۷/۹/۲۵). شماره: ۱۶۹۲، شماره خبر: ۴۸۶۷۴.
- روزنامه عصر ایران (۱۳۸۷/۲/۱۵). کد خبر: ۴۱۶۹۶.
- ستاری، سجاد (۱۳۹۹). «بتواره سرمایه‌داری دولتی در ایران (۱۳۹۹_۱۳۲۳)»، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی. دوره ۶، شماره ۳، صص ۹۳۱.
- کاپوراسو، جیمز ای (۱۳۹۹). نظریه‌های اقتصاد سیاسی. ترجمه محمود عبداللهزاده، تهران: نشر ثالث.
- گرشاسبی، علیرضا و مجتبی یوسفی دیندارلو (۱۳۹۵). «بررسی اثرات تحریم بین‌المللی بر متغیرهای کلان اقتصادی ایران»، فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی. شماره ۲۵، صص ۱۲۹-۱۸۲.
- هانت، دایانا (۱۳۹۳). نظریه‌های اقتصاد توسعه: تحلیلی از پارادایم‌های رقیب. ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، تهران: نشر نی.

دو نکته مورد اشاره در این فرمایش، وجود اشکالات در اجرای فرایند خصوصی‌سازی و ضروری دانستن خصوصی‌سازی برای تغییر ساختار اقتصاد است. آنچه در متن نیز بدان اشاره شد، بر همین اساس بود. از آنجاکه هسته سرمایه‌داری دولتی میل اشبع‌ناپذیری به سرمایه‌داری شبهدولتی در جریان انباشت سرمایه دارد تا به افول قدرت دچار نشود، می‌توان با مرتفع ساختن (به تعبیر رهبری) اشکالات، خطاهای، بی‌توجهی‌ها و لغزش‌ها توسط نهادهای مجری و نظارتی، ساختار انباشت سرمایه در اقتصاد را اصلاح کرد.

- عدم واگذاری شرکت‌ها به شبهدولتی‌ها: طبق مطالب مطروحه، شبهدولتی‌ها به عنوان اقمار سرمایه‌داری دولتی چه از لحاظ تمرکز سرمایه چه از لحاظ تعدد شرکت‌ها و چه از لحاظ عدم نظارت کامل و روابط اقتصاد سیاسی، زمینه گسترهای برای ایجاد آثار منفی اقتصادی به همراه دارند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود تا با تعیین ضوابطی در جریان خصوصی‌سازی، از ورود و حضور بیشتر شرکت‌های شبهدولتی در اقتصاد جلوگیری به عمل آید.

- بازتفسیر نظام انباشت سرمایه: پس از ۴ دهه تجربه این مدل انباشت سرمایه، سرمایه‌داری دولتی ضعف‌های نظری و عملیاتی خود را نشان داده و ضرورت تغییر را برای خبرگان مسجل ساخته است. با توجه به مطالب ارائه شده مشخص می‌شود که وضعیت فعلی نظام انباشت سرمایه زاییده اندیشه‌های اقتصادی‌اجتماعی و دینی برخی از رهبران انقلاب در سده اخیر بوده است. برای همین، در راستای



- Richards, I. A (1965). *The Philosophy of Rhetoric*. New York: Oxford University Press.
- Sattari, Sajjad (2021). *Foundations of State in the Middle East, Sabbatical Reaserch Projct*.
- Worthington, I (ed) (2008). *A Companion to Greek Rhetoric*. Oxford: Blackwell.
- بیزدانی، عنایت‌الله، امین نوذری گرمه‌خانی (۱۳۹۳). «تأثیر تحریم‌های غرب بر ساختار اقتصادی و اراده سیاسی ایران»، دومین کنفرانس بین‌المللی اقتصادهای تحت تحریم. صص ۱۸۱-۱۸۲
- میرزانی، فرج‌الله جوانشیر (۱۳۹۵). اقتصاد سیاسی (شیوه تولید سرمایه‌داری) با ذکر نمونه‌هایی از رشد سرمایه‌داری در ایران. مصحح عزیزالله علیزاده، تهران: فردوس.
- Haidar, J. I. (2014). Sanctions and trade diversion: Exporter-level Evidence from Iran. In *ERF Annual Conference: Economic Development and Social Justice*.
- <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=165>.
- <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3247>.
- <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42633>.
- Reisman, G (2006). FREEDOM IS SLAVERY: LAISSEZ-FAIRE CAPITALISM IS GOVERNMENT INTERVENTION: A Critique OF KEVIN CARSON'S STUDIES IN MUTUALIST POLITICAL ECONOMY. *Journal of Libertarian Studies*, 20(1), pp. 47-86.